

## نقش «نیابت عامه فقها» در نهضت تنباکو

### به عنوان یکی از ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی ایران

مهدی ابوطالبی\*

#### چکیده

در تحلیل‌هایی که از نهضت تنباکو صورت گرفته است، بعد اقتصادی آن پررنگ نشان داده شده و ابعاد مذهبی بیشتر به عنوان ابزاری در راستای مسایل و منافع اقتصادی در نظر گرفته شده است. نویسنده، بر این اساس به بررسی تاریخی نهضت پرداخته و نقش عنصر نیابت فقها در مراحل مختلف این نهضت از مقدمات تا فرآیند وقوع و نتایج و پیامدهای آن را تبیین و ثابت کرده است که در تمامی این مراحل، تبعیت از حکم ولایی میرزای شیرازی به عنوان نایب عام امام زمان#، نقش اصلی را دارا بوده است و لذا این نهضت یک حرکت اصالتاً مذهبی است که البته، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی خاصی نیز داشته است.

#### واژگان کلیدی

نیابت عامه امام زمان#، نهضت تنباکو، علمای شیعه، فرهنگ سیاسی شیعه، میرزای شیرازی.

Email: abotaleby@gmail.com

\* عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی+

پذیرش نهایی: ۸۹/۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۱۹

**مقدمه**

نهضت تنباکو یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی - اجتماعی سده‌های اخیر ایران است که به‌رغم گذشت سال‌ها از رخداد آن، هنوز هم قابل تأمل و بررسی است. تا قبل از نهضت تنباکو، حرکت‌های متعدد سیاسی - اجتماعی مردم به رهبری روحانیت علیه استعمار را شاهد هستیم؛ از جمله این حرکت‌ها می‌توان به حضور مردم در جنگ‌های ایران و روس بر اساس فتاوی‌ای جهادیه علمای شیعه و قتل گریبایدوف، سفیر روس در حرکت عمومی مردم بر اساس فتاوی‌ای میرزاسیخ مجتهد مبنی بر آزادی زنان مسلمان از سلطه سفارت روس، اشاره کرد. اما این‌گونه حرکت‌ها، صرفاً در مقابله با بیگانگان بوده است، ولی اهمیت نهضت تنباکو در این است که این نهضت، اولین حرکت سیاسی - اجتماعی مردم ایران به رهبری مرجعیت شیعه در مقابله با استعمار و استبداد - به صورت هم‌زمان - است که به موفقیت کامل رسیده است. نکته‌ای که قابل تأمل است این‌که در برخی از تحلیل‌های ارائه‌شده در مورد این نهضت عظیم، بر نقش بازاریان و روس‌ها به‌گونه‌ای تأکید شده است که این نهضت را، حرکتی اقتصادی و در راستای منافع صرفاً اقتصادی بازاریان و منافع روس‌ها در مقابل انگلیس قلمداد کرده و ابعاد مذهبی آن را به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به این منافع اقتصادی جلوه داده است. بر همین اساس، در این مقاله با بررسی مراحل مختلف نهضت از آغاز تا انجام و از مقدمات تا پیامدها، به دنبال بررسی نقش «نیابت عامه امام زمان #»، به‌عنوان یکی از عناصر اصلی فرهنگ سیاسی شیعه در این نهضت هستیم تا میزان مذهبی بودن اهداف و آرمان‌های نهضت و اقدامات انجام‌شده در طول نهضت، روشن شده و میزان دقت و ضعف تحلیل‌های مذکور که نگاهی اقتصادی به این حرکت عظیم دارند، مشخص شود.

**۱. نفوذ سیاسی - اجتماعی علما به‌عنوان نواب عام امام زمان # در دوران قاجار**

بعد از ظهور صفویه در ایران و نقش پررنگ و جدی علمای شیعه در مسایل سیاسی و اجتماعی، نفوذ و محبوبیت علما در بین مردم شدت یافت و جایگاه سیاسی - اجتماعی علما تقویت شد. نفوذ علما، پس از غلبه اصولیون بر اخباریون در دوران قاجاریه، شدت یافت و در

این دوره، بسیاری از امور اجتماعی تحت نظارت و ولایت آنها به‌عنوان نواب عام امام زمان # انجام می‌شد. این مسئله مورد اعتراف همه تاریخ‌نگاران ایرانی و خارجی بوده است. «مهدی ملک‌زاده» معتقد است در این دوره، امور حقوقی مثل معاملات، اجرای عقد و نکاح، تقسیم ارث، اخذ حق امام، خمس و ... تحت نظارت و در محضر علما انجام می‌شد و حل گرفتاری‌ها و مشکلات با استعلام و استفتا از ایشان میسر بود (ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت، ج ۱: ۳۵۹) و حتی می‌توان گفت اکثر تحولات مهم سیاسی و اجتماعی با هدایت و رهبری آنها انجام می‌شد. مناصبی مثل قضاوت، افتا، دریافت خمس و ... در حقیقت همان مناصب فقیه است که جزیی از اختیارات فقیه به‌عنوان نایب عام امام زمان # است و مراجعه مردم به علما در این موارد، ناشی از همین اعتقاد بود.

یکی از نویسندگان در این رابطه می‌نویسد:

باید دانست روحانیون تا اواخر دوره قاجاریه در ایران نفوذ زیادی داشتند و مردم، آنها را با ایمان و عقیده به جان و دل می‌پرستیدند و هرگاه مردم می‌خواستند به اعمال و رفتار مأمورین دولتی انتقاد کنند، به آنها متوسل می‌شدند و اینان نیز با نفوذی که در بین مردم داشتند، خوب می‌توانستند با شاه و دولتیان مخالفت کنند و اغلب هم زورشان می‌چربید. (تیموری، تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران: ۴۹)

«نیکی‌کدی» نیز در این رابطه معتقد است اعتقاد شیعه به این مسئله که «حکومت شرعی تا زمان رجعت امام دوازدهم #، توسط آن دسته از پیشوایان علما که صلاحیت تفسیر و تعبیر خواست‌های امام را دارند، قابل اجراست، در قرن نوزدهم آشکار شده بود» و «علما که خود از دخالت روزافزون کفار در امر تجارت و دولت خشمگین بودند و بیم آن داشتند که مبدا قدرت‌های اروپایی بر همه شئون کشور حاکم گردند، نارضایی توده مردم را منعکس می‌نمودند». (کدی، تحریم تنباکو در ایران: ۱۴)

«لمبتون» نیز پس از ایراد برخی اتهامات مالی و فکری به مخالفان مذهبی قاجاریه در

اواخر قرن نوزدهم، می‌نویسد:

با وجود این عوامل، طبقات مذهبی بیش از دیگران از احترام عمومی برخوردار بودند و از آنجا که دست کم برخی از رهبران آنان در برابر تعدیات دولت، خود را سپر مردم کرده بودند، جماعت، آنان را حامی خود می‌شمرد ... همچنین پیوستگی قلبی و ایمانی عامه مردم به مذهب شیعه، به هر حال تقریباً این امر را حتمی ساخت که می‌بایست ملایان، پیشوایان طبیعی آنان باشند. (همان: ۱۵)

سفیر آمریکا در زمان ناصرالدین شاه با اشاره به این‌که ملاعلی کنی مرجع تقلید و عالی‌ترین مقام قضایی ایران است، در مورد نفوذ وی در میان مردم می‌نویسد:

یک اشاره از طرف او کافی است که شاه را از تخت سلطنت به زیر آورد و هر فرمان و دستوری که درباره خارجی‌ان و غیرمسلمانان ایران صادر کند، فوراً از طرف مردم، اجرا می‌گردد... هیچ کار اجتماعی و مهمی در ایران بدون جلب نظر و صلاحدید حاج ملاعلی کنی انجام نخواهد شد. (بنجامین، ایران و ایرانیان: ۳۳۲)

این نفوذ و اقتدار حاج ملاعلی کنی در میان مردم، علتی جز اعتقاد آنها به ولایت و نیابت او از جانب پیامبر ا و ائمه<sup>ع</sup> نداشته است. چنانکه در تاریخ نقل شده، در مراسم تشییع جنازه باشکوه مرحوم حاج ملاعلی کنی، مردم اینچنین نوحه سر می‌دادند و بر سینه می‌زدند:

رفتگی ز دنیا ای نایب پیغمبر ا ما      شد جای تو خالی در مسجد و منبر  
کندیان خاک عالم بر سر است      این عزای نایب پیغمبر ا است

در حوادث مختلف نهضت تنباکو نیز، شاهد این جایگاه علما در میان مردم هستیم. سیدجمال، در نامه خود به میرزای شیرازی در رابطه با نفوذ شدید علمایی مثل او در میان مردم می‌نویسد:

خدا کرسی ریاست تو را در دل‌ها و خردهای مردم نصب کرده تا به وسیله آن، ستون عمل محکم شود و راه راست روشن گردد ... ملت اسلام در هر پیش‌آمدی به تو متوجه شده و در هر مصیبتی چشمش را به تو دوخته، سعادت و خوشبختی، رستگاری و رهایی خود را در دست تو می‌داند، آرزوهایش به تو

بسته است و آرامشش تویی ... همه مردم در برابر تو تسلیمند، همه فرمانبردارت هستند، امر تو در جامعه مسلمانان نافذ است، هیچ کس در مقابل حکمت گردن‌فرازی نمی‌کند. (کدی، همان: ۸۵ - ۸۷)

در گزارش نماینده انگلیس نسبت به حوادث تبریز نیز آمده است:

مردم تا وقتی که از جانب مجتهدان حمایت می‌شوند، هیچ واژه‌ای از ناصرالدین‌شاه ندارند. این طور که دولت در اینجا ناتوان به‌نظر می‌رسد ... چنانچه ناصرالدین‌شاه تسلیم شود، در حکم آن خواهد بود که قدرت فائقه مجتهدین را به رسمیت بشناسد، چون من اقناع شده‌ام که همه چیز به آنان بستگی دارد. (همان: ۱۰۷)

علمای شیعه بر اساس همین اقتدار و نفوذ و ولایتی که برای خود به‌عنوان نایب عام امام زمان # قائل بودند و به‌پشتوانه مردم که به این مطلب اعتقاد راسخ داشته و تبعیت عملی کاملی هم از آنها داشتند، اقدامات سیاسی - اجتماعی مهمی را در دوران قاجار انجام دادند. دوران سلطنت قاجار در ایران، دوره‌ای است که ایرانیان با فرهنگ و تمدن جدیدی به نام «تمدن غربی» یا «مدرنیته» روبرو می‌شوند که از ابعاد مختلف اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی، ایران را مورد تهاجم قرار می‌دهد و حتی در مواردی، هویت ایرانی را دچار بحران و فراز و فرودهایی می‌کند. تحولات مهم فرهنگی، سیاسی و اجتماعی این دوره که در واکنش نسبت به این پدیده جدید در ابعاد مختلف شکل گرفت، عمدتاً تحت تأثیر عناصر فرهنگی شیعه، به‌ویژه عنصر «ولایت» بود که تلاش آن معطوف به حفظ هویت شیعی و عبور از بحران‌های مذکور بود. از جمله این موارد، می‌توان به فتاوی علمای شیعه در جریان جهاد با روس‌ها اشاره کرد که فتحعلی‌شاه با آگاهی از نفوذ کلام علما در بین مردم، از آنها درخواست صدور چنین فتوایی کرد. همچنین می‌توان به لغو قرارداد استعماری و ننگین رویتر، توسط آیت‌الله ملاعلی کنی و جریان قتل گریبایدوف با فتوای میرزاسیخ مجتهد و نهضت تنباکو به‌عنوان تحولات و جنبش‌های مهم این دوران که به‌عنوان ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی مطرح می‌شوند، اشاره کرد. نهضت تنباکو، اولین حرکت عمومی توده‌های مردم با

محوریت مرجعیت شیعه، علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی است که با کم‌ترین میزان خشونت و درگیری به پیروزی و کامیابی کامل می‌رسد و زمینه‌ساز حرکت‌های بزرگ اجتماعی - سیاسی بعدی می‌شود.

## ۲. توقع و لزوم دخالت علما به دلیل نیابت از امام زمان #

در جریان نهضت تنباکو، توقع عمومی از علما به عنوان نواب عام امام زمان # این بود که در این‌گونه امور مهم سیاسی - اجتماعی، دخالت کنند. لذا، در ادبیات رساله‌ها و نامه‌های دوره، به این نکته اشاره شده است که مداخله جناب میرزای شیرازی به دلیل نیابت عام از امام زمان # در این‌گونه امور مهم سیاسی - اجتماعی، طبیعی است و باید با چنین قراردادی مقابله کنند. شیخ حسن کربلایی در رساله «تاریخ دخانیه» با اشاره به مشکلات این قرارداد برای مردم و زمینه‌های سلطه کفار و جایگاه مذهبی و اجتماعی علما در بین مردم می‌نویسد:

نظر به این مقدمه محکمه و نظر به این که این منصب بزرگ سرحداری اسلام و دین، مرتبه جلیله نیابت امام علیه الصلاة و السلام، امروزه در زیر این آسمان و در روی زمین، همان شخص یگانه جنابشان را مسلم آفاق است و بس؛ نظر به این مقدمات محکمه مسلمه، حضرتشان را حتم و لازم افتاد که فریادرسی اسلام و اسلامیان را جلوگیری از این فتنه عظمی ... فرمایند. (کربلایی، تاریخ دخانیه یا تاریخ وقایع تحریم تنباکو: ۸۷)

سیدجمال نیز در نامه مشهور خود به میرزای شیرازی، به بحث نیابت ایشان از امام زمان # و نصب عام فقیه از جانب خداوند متعال اشاره می‌کند و به همین دلیل، معتقد است میرزا وظیفه دارد که در رابطه با مسئله تنباکو اقدام کند:

خدا نیابت امام زمان را به تو اختصاص داده و از میان طایفه شیعه تو را برگزیده و زمام ملت را از طریق ریاست دینی به دستت داده ... چون تو وارث پیمبرانی، سررشته کارهایی را به دستت سپرده که سعادت این جهان و رستگاری آن جهان بدان وابسته است ... خدا کرسی ریاست تو را در دل‌ها و خردهای مردم

نصب کرده، تا به‌وسیله آن، ستون عمل محکم شود و راه راست روشن گردد ... آیا چه کسی برای این کار [مقابله با امتیاز تنباکو] سزاوارتر از مردی است که خدا در قرن چهاردهم از میان همه او را انتخاب کرده و برهان دین و حجت بر مردمان قرار داده؟ (کدی، همان: ۸۵ - ۸۷)<sup>۱</sup>

### ۳. رجوع مردم به علما به‌عنوان ملجأ و پناه

پس از تصویب و اعلان رسمی امتیاز، هیئتی از فرنگی‌ها با عنوان وکلای کمپانی برای هر ایالتی فرستاده شد و مقرر شد این هیئت‌ها با اعزام به مناطق مختلف، کار خود را آغاز کنند. با حضور این افراد در ایالت‌های مختلف و اقدام به ضبط و خرید محصولات دخانیات، مشکلات مردم آغاز شد. از آنجا که «چاره درمان این گونه دردهای عمومی مملکت ایران، علمای ملت‌اند، [لاجرم] اصناف مردم عمومی، در هر بلد، روی شکایات به در خانه علمای ملت بردند». (کربلایی، همان: ۸۴) اولین گروه اعزامی فرنگیان به ایالت فارس بود؛ زیرا اولاً، قسمت عمده و بهترین محصول دخانیات ایران از فارس تهیه می‌شد. ثانیاً، انگلیسی‌ها جنوب ایران را متعلق به خود تصور می‌کردند و خویش را برای انجام هر عملی در آنجا مجاز می‌دانستند. (تیموری، همان: ۴۳) این افراد با حکمی که از طرف دولت مبنی بر لزوم همکاری نمایندگان دولت و مساعدت کافی با آنها و حسن پذیرایی از آنها داشتند، به‌طرف شیراز روانه شدند. خبر ورود این افراد به شیراز در میان مردم پخش شد و قبل از ورود آنها، مردم به‌شیوه مرسوم در این دوره برای دادخواهی و شکایت به پناهگاه و ملجأ اجتماعی رایج خود، یعنی علما رجوع کردند. مرجع اصلی مردم در شیراز، آیت‌الله سیدعلی‌اکبر فال‌اسیری بود که به‌دلیل

---

۱. لازم به ذکر است که برخی با هدف کم‌رنگ کردن نقش علما و مرجعیت شیعه در این نهضت و عدم درک صحیح نسبت به مسایل سیاسی و اجتماعی، در پی القای این مطلب هستند که فتوای میرزا تحت تأثیر نامه سیدجمال‌الدین اسدآبادی به ایشان بوده است. این در حالی است که دلایل متعددی بر نقض و یا تضعیف جدی این مسئله وجود دارد که این مقاله، مجال بحث آن را ندارد. در این رابطه ر.ک: نجفی و فقیه حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران: ۱۷۴ - ۱۷۹؛ کدی، تحریم تنباکو در ایران: ۹۲.

شجاعت و قوه بیان، در بین علمای شیراز معروفیتی را دارا بود. مرحوم فال اسیری در اجتماع مردم در شیراز به منبر رفته و سخنرانی مهمی علیه دولت و صاحب امتیاز ایراد کرد و در پایان، شمشیری از زیر عبا در آورده و اظهار داشت:

موقع جهاد عمومی است، ای مردم! بکوشید تا جامه زنان نپوشید. من یک شمشیر و دو قطره خون دارم، هر بیگانه‌ای که برای انحصار دخانیات به شیراز بیاید، شکمش را با این شمشیر پاره خواهم کرد. (همان: ۶۹)

با انتشار خبر حرکت نمایندگان شرکت رژی به تبریز نیز، سر و صدای مردم بلند شد و چون شنیده بودند که میرزای شیرازی در تلگراف به ناصرالدین شاه، امتیاز انحصاری توتون و تنباکو را بر خلاف مذهب دانسته است، مغازه‌ها را بستند و نزد آیت‌الله میرزا جوادآقا تبریزی رفتند و حدود بیست‌هزار نفر مسلح برای مقابله با هر اتفاقی فراهم کردند. در اسناد انگلیس نیز سندی وجود دارد که نشان می‌دهد درباریان، خصوصاً امین‌السلطان، معتقدند ریشه اصلی اعتراضات، علما هستند. در این سند از قول امین‌السلطان آمده است:

حالا ثابت شده است که مجتهد [حاج میرزا جوادآقا تبریزی]، نقش فتنه‌آمیز بزرگی در تمام آشوب‌های اخیر مربوط به رژی ایفا کرده و با مجتهد بزرگ [میرزای شیرازی] در سامره و علمای مشهد و به‌طور محرمانه با سرکنسول روس در تبریز در ارتباط بوده است. (کدی، همان: ۸۰)

در اصفهان نیز همانند سایر بلاد ایران، مردم برای حل مشکل به علما رجوع کرده و از آنجا که به تعبیر شیخ حسن کربلایی «در نفوذ کلمه ملت و متبوعیت علما، فی الجمله اختصاص و امتیازی است» (کربلایی، همان: ۱۰۴)، علمای بزرگ آن شهر پس از هم‌اندیشی در مورد این «داهیة عمومی عظمی» (همان: ۱۰۵)، بهترین و تنها راه مقابله با این قرارداد ننگین را، ممنوعیت استعمال دخانیات و سدّ باب معاملات و داد و ستد این اجناس دانستند. لذا، اصفهان اولین شهری است که علما در آنجا، حکم به نهی از استعمال دخانیات کرده‌اند. در گزارشی که ظل‌السلطان در تاریخ ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۰۹ - بیش از یک‌ماه قبل از صدور



نقش «نیابت عامه فقها» در نهضت تنباکو □ ۶۳

حکم میرزای شیرازی - برای شاه فرستاده، درباره رفتار علمای اصفهان، یعنی آقاجفی و برادرش آقا محمدعلی و نیز آقاباقر فشارکی می‌نویسد:

این غلام [ظل السلطان] نمی‌دانست در منبر و مسجد و خانه‌شان چه می‌گویند و در مجلس درس چه مذاکره می‌نمایند؟ در این سه جا، کشیدن قلیان را حرام و کشت و زرع تنباکو را حرام اندر حرام و حامی فرنگی را «کافر و واجب‌القتل» و نوکر و بستگان آنها را «نجس العین» اعلان کرده‌اند. (صفایی، اسناد سیاسی دوران قاجاریه: ۲۲ و ۲۳)

در تهران نیز حرکت به رهبری روحانیون، به خصوص مرحوم میرزا حسن آشتیانی و شهید شیخ فضل‌الله نوری آغاز شد و تداوم پیدا کرد.

بنابراین، اولین اقدام مردم در واکنش مخالفت‌جویانه به قرارداد رژی، رجوع به علمای شیعه در هر شهر و منطقه است که این خود حاکی از نقش جدی و جایگاه عظیم علمای شیعه در مسایل سیاسی - اجتماعی و جنبش‌ها و نهضت‌های عمومی و به‌طور خاص و ویژه، در نهضت تنباکو دارد. به‌همین سبب، اعتمادالسلطنه در توصیف عظمت حرکت علمای شیعه در جریان تنباکو می‌نویسد:

تمام این خبط و خطا به‌واسطه غرور کارگزاران دولت است. زحمتی که در ظرف سلطنت خودشان کشیده بودند که اقتدار ملاحا را کم کنند، جهل و جهالت کارگزاران حالیه دولت، اسبابی فراهم آورد که این اقتدار طوری بروز کرده است که از صدر اسلام تاکنون در مملکت شیعه این‌طور ایستادگی از علما دیده نشده بود. (اعتمادالسلطنه، خاطرات اعتمادالسلطنه: ۷۸۱)

#### ۴. تجلی و ظهور نیابت امام زمان # در حکم میرزای شیرازی

استفاده از عنصر و مفهوم نیابت از امام زمان # در رابطه با حکم میرزای شیرازی، نقش مؤثری در تبعیت مردم از این حکم دارد. در تعابیر مختلفی که در این دوره در مورد این حکم به‌کار رفته، بحث نیابت میرزا از امام زمان # در موارد متعددی مورد اشاره قرار گرفته است و

مخالفت با این حکم را مخالفت با امام زمان # می‌دانستند. مرحوم کربلایی در توصیف صدور حکم میرزای شیرازی می‌نویسد:

در نیمه ماه جمادی الاولی ... از الطاف خاصه خداوندی - جل شأنه و عظم آلائه - و توجه مخصوص صاحب شریعت - عجل الله تعالی فرجه و ظهوره - به یمن برکت وجود مسعود و مبارک حضرت نایب الامام آقای حجة الاسلام - ادام الله ظله العالی علی المسلمین - چنین افتاد که در آن تاریخ، در تمامی ایران، از یک سر گرفته تا سر دیگر، دود دخان چپق و قلیانی، علانیه و برملا اصلاً بلند نمی‌شد. (کربلایی، همان: ۱۲۴)

همچنین در مقاله‌ای که یکی از علما در عدم مشروعیت قرارداد تنباکو نوشته با اشاره به حدیث امام صادق × که حکم فقیه جامع‌الشرایط را حکم خودشان می‌دانند، آمده است:

جناب حجت الاسلام آقامیرزا - دام ظلّه العالی - حجت امام [عصر] است بر خلق؛ نقض حکم ایشان نقض حکم امام است و وسوسه در بودن حکم از جناب ایشان، مثل وسوسه در قرآن است که آیا کلام خلق است یا فرمایش خالق. (همان: ۱۲۸؛ ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱: ۴۸ و ۴۹)

مرحوم میرزای آشتیانی نیز که از علمای بزرگ این دوره در تهران است، در ملاقات با نایب‌السلطنه که از صحت و صدور این حکم سؤال کرده بود، می‌گوید:

این حکم از حضرت حجت‌الاسلام صادر شده و مخالفت این حکم، بالقطع و یقین مخالفت با امام زمان - علیه الصلاة والسلام - است. (کربلایی، همان: ۱۳۱)

علمای تهران نیز در جلسه‌ای که با نمایندگان دولت در رابطه با حکم میرزا و جریان تنباکو داشتند، وقتی وزیر اعظم به ایشان اعلام کرد که ناصرالدین شاه گفته تغییر و تبدیل این قرارداد ممکن نیست و شما علما باید فکر دیگری بکنید، در جواب گفتند:

غرض دولت از عقد این مجلس، هرگاه تدبیری برای برداشتن منع و متارکه دخانیات است، شما خود می‌دانید که در این منع، ما را از هیچ رو، مدخلیتی نبوده و نیست. از جانب رفیع الجوانب، حضرت حجت‌الاسلام که نایب‌الامام و

نقش «نیابت عامه فقها» در نهضت تنباکو □ ۶۵

حکم جنابشان درباره مجتهد و مقلد نافذ و واجب‌الاتباع است، در سرّمن‌رأی حکمی به منع استعمال دخانیات به تفصیلی که می‌دانید شرف صدور یافته و... ما نیز در این خصوص مثل آحاد مردم اطاعت نمودیم. (همان: ۱۳۶)

در عریضه تشکرآمیزی که ایرانیان خارج از کشور برای مرحوم میرزای شیرازی فرستادند نیز، این تعبیر مشاهده می‌شود:

عریضه عموم اهالی ایران، متوطنین در بلاد خارجه به حضور باهرالنور حضرت مستطاب سرکار شریعتمدار قباله‌الانام، حجت‌الاسلام، ملاذالمسلمین، نایب الائمه المعصومین... آقای میرزا محمد حسن شیرازی ... (همان: ۲۱۸)

در تلگرافی که از سوی علمای تهران برای مرحوم میرزا به سبب آگاهی ایشان از اوضاع تهران و نحوه برخورد دربار با قرارداد تنباکو به ایشان ارسال شده نیز، به نیابت ایشان از امام زمان # اشاره شده و چنین آمده است:

لا حول و لا قوة الا بالله و لا استعانة الا بتوجه حضرت حجت‌الله - سلام الله عليه و على آبائه الطاهرين - ونائبه - ادام الله ظلّه العالی علی مفارق المؤمنین. (همان: ۱۴۷)

در تعبیرات امین‌السلطان، صدراعظم ناصرالدین شاه نیز، سخنی مبنی بر نیابت میرزا از ائمه معصومین ^ وجود دارد. وی در عریضه‌ای که خدمت میرزا می‌فرستد، ایشان را «حجت ائمه معصومین ^» می‌خواند. وی نامه خود را این‌گونه آغاز می‌کند:

خدمت شریعت آیت جناب مستطاب قوام‌الملئ والدین، كهف‌الاسلام والمسلمین، افتخارالعلماء الراسخین، فخرالمجتهدین حجت‌الائمه الهادین فرید‌الدهر، مجتهد العصر آقای حاجی میرزا محمدحسن مجتهد شیرازی... (همان: ۲۱۳)

برخی حتی معتقد بودند که این حکم میرزا در حقیقت، توقیع و حکم امام زمان # است که به واسطه میرزا به دست مردم رسیده است. مرحوم کربلایی در این زمینه می‌نویسد:

بسیاری از علما و فضلا و ارباب فضیلات و معرفت را در این خصوص عقیده بر این بود که این توقیع رفیع نورانی محققاً از جانب ناحیه مقدسه حضرت امام

عصر - علیه الصلاة و السلام - است که بر لسان قلم مبارک حجت الاسلام جاری گشته و بسیاری از مردمان راسخ العقیده را در این خصوص اطمینان کامل بود که البته آن جناب را از ناحیه مقدسه در این خصوص به شرف مخاطبه مخصوص، ممتاز و سرافراز فرموده‌اند. (همان: ۱۲۱ و ۱۲۲)

همچنین، میرزا علی آقا، فرزند مرحوم میرزای نایینی از قول پدرشان نقل می‌کنند:

ما که در سامره بودیم، در جریان تنباکو، شیعیان مرحوم میرزا شاگردانش را احضار کرد و فرمود: می‌خواهیم تلگرافی به تهران مخابره کنیم مبنی بر تحریم تنباکو، هر کدام از شما صورت تلگرافی بنویسید تا هر کدام مناسب‌تر بود به تهران ارسال کنیم. پس از چندی همه در جلسه‌ای جمع شدیم و صورت‌هایی که تهیه کرده بودیم به میرزا ارائه کردیم. میرزا پس از مطالعه آنها، همه را زیر تشکی که روی آن نشسته بود، گذاشت و صورت تلگرافی را از زیر تشک بیرون آورد و شروع کرد به خواندن: «بسم الله الرحمن الرحيم. اليوم استعمال توتون و تنباکو بآی نحو کان، در حکم محاربه با امام زمان صلوات الله و سلامه علیه است. الاحقر محمدحسن الحسینی.» میرزا حسین نایینی می‌گوید: پس از قرائت صورت تلگراف، مرحوم میرزا فرمود: این تلگراف از ناحیه مقدسه حضرت حجت شرف صدور یافته، نظر شما چیست؟ میرزای نایینی می‌گوید: ما با شنیدن این جمله چیزی نگفتیم و همگی تسلیم شدیم. (نایینی، یادنامه میرزای شیرازی: ۳۹)

همچنین در مقاله‌ای که یکی از علما در عدم مشروعیت قرارداد تنباکو نوشته آمده است:

از آنجایی که امام عصر حجت بن الحسن - عجل الله تعالی فرجه - را توجهی تام است به شیعیان و بقای سلطنت سلطان ایران، چنانچه متکلمین [می] فرمایند: وجوده لطف و بقاءه لطف آخر، از بابت لطف جاری فرموده، به قلم شریف جناب مستطاب قبله الانام حجت الاسلام آقای حاجی میرزا محمدحسن شیرازی - دام ظلّه العالی - که از خواص بندگان امام همام علیه السلام است ... و الحق این کلمه جامع شریفه که مشتمل بر معانی کثیره است، داخل در [امثال] توفیعات رفیعه و الفاظ صادره از لسان صاحب الزمان است... این کلمه شریفه، نظیر توفیعات رفیعه است که بر این عالم ربانی که داخل در مرتاضین و

نقش «نیابت عامه فقها» در نهضت تنباکو □ ۶۷

اهل الله و خواص اولیاء الله است، ورود نموده و انقطاع سفارت در غیبت کبری، منافی با ورود توقیع بر خواص نیست، چنانچه بر شیخ مفید و دیگران نازل گردد. (کربلایی، همان: ۱۲۸؛ ناظم الاسلام کرمانی، همان، ج ۱: ۴۸ و ۴۹)

در تلگراف یکی از علمای تهران خطاب به میرزا نیز، حکم میرزا به مثابه توقیع امام عصر # تلقی شده است:

این اوقات که قصه منع از شرب تنباکو و توتون، شایع تام و منتسب به آن حجت الاسلام گردیده؛ آن طوری که باید و شاید در خور احوال باشد، اهتمام تمام در انجام مهام آن کلام که به مثابه توقیعات رفیعه صادره از امام - علیه السلام - بود کوشید و ... به نحوی به این توقیع رفیع بدیع، وقع در قلوب شریف و وضع، و قوتی به شریعت مطهره رسید که مافوق آن متصور نخواهد گردید ... (کربلایی، همان: ۱۴۹)

بنابراین، حکم میرزای شیرازی و تبعیت مردم از این حکم، بر اساس اعتقادشان به ولایت میرزا و نیابت او از امام زمان # و یا اعتقادشان به توقیع خاص بودن آن از طرف امام زمان #، یکی از عوامل مهم تبعیت گسترده اқشار مختلف مردم از این حکم و پیروزی این نهضت عظیم بود. شیخ حسن کربلایی در گزارش خود، این مطلب را این گونه به تصویر می کشد:

از برکات توجه مخصوص حضرت امام عصر - عجل الله [تعالی] فرجه و ظهوره و صلی الله علیه و علی آبائه الطاهیرین - همه این اصناف مختلف مردم دارالخلافة، از مرد و زن، عالم و عامی، عالی و دانی، بزرگ و کوچک با همه آن طبایع مختلفه و آراء متخالفه، چنان در کمال تمکین و انقیاد، همگی بر سر این یک نقطه متفق و مجتمع شدند که تا عصر جمعه، در تمامی این چنین شهر عظیم، از هیچ نقطه [و] محلی، دود دخان چیق و قلیان بلند نمی شد. (همان: ۱۱۹)

این فضای حاکم و ادبیات خاص میرزا در حکم، به قدری تأثیرگذار و تحریک آمیز بود که بر اساس گزارش های تاریخی، حتی اهل فسق و فجور نیز تحت تأثیر قرار گرفتند و از استعمال دخانیات احتراز کردند و افراد بی قید نسبت به احکام شرع نیز، در این موضوع خاص

از ایشان تبعیت کردند. مرحوم شیخ حسن کربلایی در این زمینه می‌نویسد:

مردم اوباش بلد و به اصطلاح وقت [داش] مشتی‌ها که [از صبح تا شام] از هیچ رو، باکی از هیچ‌گونه مناهی و معاصی ندارند، به غیرت اسلامیّت، چپق‌ها را یکسره شکستند و شکسته چپق‌ها را بر تختگاه اداره [دخانیه] کمپانی امتیاز انداختند. از این جماعت مشتی‌ها این کلمه به فزونی شنیده می‌شد: ... من عرق را به امید شفاعت صاحب زمان # می‌خورم، ولی چپق را به چه امید بکشم؟. (همان)

امین‌الدوله نیز در خاطرات خود نقل می‌کند که فرنگی‌مآبان، یعنی جوانان بی‌مبالات زمان که به فرایض و مستحبات دینی اعتنا و اعتقاد نداشتند، به اهل دین و آیین مقدسین تأسی کرده و سیگار و سیگارت نکشیدند و به تعبیر او، قهوه‌خانه‌ها بسته ماند و دل تریاکیان شکسته. (امین‌الدوله، خاطرات سیاسی امین‌الدوله: ۱۴۷)

اطاعت عامه مردم از حکم تحریم، هم مایه شگفتی ایرانیان شد و هم مایه اعجاب خارجیان. شیخ حسن کربلایی در این رابطه می‌نویسد:

سفرای خارجه که مقیم دارالخلافه بودند، به تمامی دول اروپا تگلراف‌ها بدین مضمون مخابره کردند که ... چیزی را که عادت شبانه‌روزی عمومی مسلمانان حتی اطفال آنان و اعظم عادات ایشان بوده ... به محض یک دوکلمه نوشته منعی که به رئیس آیین خودشان نسبت داده شده، یک دفعه چنان بالمره متارکه نمودند که ارتکاب آن، در انظارشان عار و شنار است. (کربلایی، همان: ۱۲۱)

شهود عینی ماجرا نقل کرده‌اند که حتی بانوان و نوکران ناصرالدین‌شاه، از کشیدن توتون و تنباکو امتناع کرده بودند و هیچ‌کس را یارای آن نبود که در خیابان، به حال معامله یا مصرف تنباکو دیده شود. لذا، در سوم دسامبر، درست پس از آن که تحریم از جانب میرزا تأیید شد، فووریه، پزشک فرانسوی ناصرالدین‌شاه، تعجب خود را این‌گونه ابراز داشته است:

عجب انضباط و اطاعتی در آن موقع که پای عمل کردن به فتوای مجتهد متنفذ و معروفی در میان است، مشاهده می‌شود. اختیار اوضاع در حقیقت در دست ملاهاست. (کدی، همان: ۱۲۷)

سفیر روس نیز در مجلسی که با حضور سایر سفرای خارجی در ایران و صاحب‌امتیاز تنباکو تشکیل داد، در توجه‌دادن این افراد به اهمیت اتفاقی که افتاده، به جایگاه حکم میرزا در ذهنیت مردم و تأثیر آن در عمل اجتماعی آنها این‌گونه اشاره می‌کند:

رییس‌اسلامیان [مسلمانان] که به مراحل از حدود ایران بیرون است... دو کلمه در خصوص منع مسلمانان از این عمل نوشت [و] فرستاد و این نوشته به‌محض وصول در ظرف یک نیم‌روز، در این شهر بدین عظمت، همه‌جا منتشر گردیده و به محض اشتها این یک دو کلمه نوشته، تمامی مسلمانان را با این که هنوز صحت و صدق این نوشته بر اکثر و اغلب ایشان محقق نشده بود، تنها به احتمال این که شاید صحیح باشد، این‌چنین، عادت پانصد ساله را یک دفعه، چنان که می‌بینید بالمره متارکه نمودند. (کربلایی، همان: ۱۶۲)

همان‌طور که در تعبیر مذکور از فرنگی‌ها نیز دیده می‌شود، این استقبال عظیم از جانب مسلمانان، عمدتاً به سبب بعد دینی این حکم بود، نه صرفاً مسایل اقتصادی و سیاسی. یکی از شواهد تاریخی آن هم، نقل امین‌الدوله است که می‌گوید:

بنّاهایی که در خانه ما کار می‌کردند، به‌محض دیدن قلیان دست از کار کشیدند و گفتند: در خانه‌ای که بدین وضوح بی‌دین باشند که قلیان بکشد، ما کار نمی‌کنیم. (روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه: ۷۸۲)

حساسیت مردم نسبت به این حکم به‌قدری بود که یک نفر که قبل از صدور حکم، مقداری تنباکو خریده و پهن کرده بود تا خشک شود، در استفتایی از علما پرسیده بود: «آیا معنی لفظ استعمال در حکم مذکور، شامل جمع کردن و کیسه‌کردن این تنباکوها هم می‌شود؟». (کربلایی، همان: ۱۲۰ و ۱۲۱) همچنین نقل شده که یک مالک بزرگ شیرازی، دوازده‌هزار کیسه تنباکوی خود را آتش‌زده و وقتی نمایندگان شرکت برای خرید تنباکو به او مراجعه می‌کنند، می‌گوید همه را به خداوند فروختم. (همان: ۹۴ و ۹۵)

تأثیر عمیق این حکم در میان مردم، به‌دلیل بعد ولایی آن به‌معنای حکم نایب امام زمان # که برای مردم لازم‌الاجراست و بعد عاطفی آن که معنای «مجاربه با امام زمان #»

است، سبب شد که پرهیز عمومی به گونه‌ای شدت و گسترش پیدا کند که استعمال دخانیات از یک «تحریم شرعی» و تکلیف دینی مسلمانان، به یک امر مذموم عرفی تبدیل شده و قبح اجتماعی پیدا کند و همه ایرانیان، حتی مسیحیان و یهودیان نیز که از نظر شرعی مجبور به رعایت این حکم نبودند، از لحاظ اجتماعی آن قدر تحت فشار قرار گیرند که مجبور به رعایت این تحریم شرعی شوند. لذا گزارش‌های متعددی مبنی بر پرهیز پیروان سایر ادیان از استعمال تنباکو وجود دارد. (کدی، همان: ۱۲۷؛ کربلایی، همان: ۱۱۹)

##### ۵. ارتقای جایگاه سیاسی - اجتماعی علما به عنوان مهم‌ترین پیامد جنبش

ظهور علما در جایگاه رهبری حرکت‌های اجتماعی مثل نهضت تنباکو و نقش آنها در هدایت جنبش در مراحل متخلف، باعث شد که حکومت، به‌ویژه شخص ناصرالدین‌شاه نیز، جایگاه بالاتر و احترام بیشتری برای ایشان قائل باشد. در برخی مجالس، در موارد متعددی، ناصرالدین‌شاه با عذرخواهی از علما، به جایگاه مهم سیاسی - اجتماعی ایشان اعتراف کرده و قول داده که از این به بعد، ضمن مشورت با علما، هیچ‌گونه امتیازی به بیگانگان ندهد.

ارتقای جایگاه سیاسی - اجتماعی علما، محدود به داخل کشور نبود، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز، بروز و ظهور داشت. اهمیت این جایگاه و نقش پراهمیت فتوای میرزای شیرازی به عنوان اصلی‌ترین عامل پیروزی نهضت تنباکو، از طرفی سبب تعجب و از طرف دیگر، باعث ترس و وحشت بیگانگان و عمال آنها در ایران شد. ترس از قدرت اجتماعی - سیاسی علما در همان زمان صدور حکم تحریم توسط میرزا و قبل از لغو قرارداد، در میان این افراد ایجاد شد. این ترس را می‌توان در سخنان سفیر روس در یک مهمانی که سفرای کشورهای دیگر را دعوت کرده است، به وضوح مشاهده کرد. وی در این مهمانی، با اشاره به تبعیت فوری مردم از حکم تحریم میرزا، نسبت به این قدرت عظیم اجتماعی هشدار داده و اعلام خطر می‌کند. سفیر روس به این نکته اشاره می‌کند که اگر چنین فتاوایی در مورد برخی



کالاهای خارجی دیگر داده شود و یا حتی به‌طور کلی کالاهای خارجی تحریم شود، منافع اقتصادی همه ما به‌خطر می‌افتد و بالاتر از این، اگر فتوایی در مورد قتل اتباع خارجی در ایران صادر شود، بلوایی عظیم به‌راه خواهد افتاد که از دست ما هیچ‌کاری برنخواهد آمد. (کربلایی، همان: ۱۶۱ - ۱۶۴)

تعجب و شگفتی دول خارجی از عظمت حرکت میرزا را در این مسئله می‌توان دید که تمام دولت‌های خارجی که در ایران نماینده داشتند، از نمایندگان و مأمورین خود خواستند که در رابطه با احوالات و شخصیت میرزای شیرازی به‌طور مفصل تحقیق کنند و گزارش دهند تا بفهمند که این شخص بزرگ کیست که موفق به چنین کار عظیمی شده است. همچنین، برخی از سران کشورهای خارجی مثل امپراتور روس، تواضع و خشوع خود نسبت به مرحوم میرزا را در نامه‌ای مؤدبانه و با احترام کامل خطاب به ایشان نشان می‌دهد و می‌نویسد:

من اوامر شما را در ممالک روسیه، نسبت به مسلمانان اجرا می‌کنم و حاضرم برای پیشرفت مقاصد شما در مملکت ایران هر اقدامی بنمایم. (تیموری، همان: ۲۰۴)

البته، میرزای شیرازی که از فراست و کیاست بالایی برخوردار است، می‌داند که سلام‌گرگ بی‌طمع نیست و روس‌ها در هر صورت به‌دنبال منافع کشور خودشان هستند و هیچ‌گاه خیرخواه ملت مسلمان و ایرانیان نیستند. به‌همین سبب، با زیرکی تمام به‌رغم این‌که سرکنسول روس، چند روز در کشتی توقف کرده تا اذن ملاقات با میرزا را بگیرد، از پذیرفتن و ملاقات با او عذر می‌خواهد و به بهانه این‌که آداب نامه‌نگاری با امپراتور را نمی‌داند، از دادن جواب امتناع می‌کند و صرفاً پیغام می‌دهد که شما از طرف من به امپراتور اظهار امتنان بنویسید. انگلیسی‌ها نیز در رقابت با روس‌ها، به‌همین مضامین، نامه‌ای از طرف پادشاه انگلستان برای میرزا فرستادند و به‌وسیله کنسول خود پیغام دادند که انتظار جواب ندارند و فقط ممنون می‌شوند که میرزای شیرازی نامه را قبول کند. (تیموری، همان: ۲۰۴ و ۲۰۵)

### نتیجه

مجموع مطالب گفته شده، نشان می‌دهد که در روند شکل‌گیری نهضت تنباکو و فرآیند مقابله با حکومت، نقش علما به‌عنوان نواب عام امام زمان # در اعتراض به قرارداد، رهبری جنبش بر اساس حکم ولایی، ساماندهی اجتماعات مردمی و تحریک عواطف و احساسات مذهبی مردم نسبت به امام زمان #، از مهم‌ترین عوامل پیش‌برنده نهضت است. بر همین اساس، ضعف تحلیل‌هایی مثل تحلیل «نیکی آر. کدی» و تحلیل «فریدون آدمیت» و برخی روشنفکران امروزی که نقش بازاریان و گاهی روشنفکران و در مواردی نقش روسیه به‌عنوان رقیب اقتصادی - سیاسی انگلیس را پررنگ کرده و این نهضت را بیشتر یک حرکت اقتصادی و در راستای منافع مالی مردم، بازاریان و روس‌ها می‌دانند که از مذهب به‌عنوان ابزاری برای پیش‌برد این اهداف استفاده شده است، مشخص می‌شود. این در حالی است که این جنبش در اصل یک حرکت مذهبی است که البته، منافع مردم ایران در همه ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را نیز در نظر دارد، ولی بعد مذهبی آن اصیل و بسیار پررنگ است. به دلیل همین ابعاد مذهبی جنبش است که نتایج و پیامدهای این جنبش نیز، عمدتاً رنگ و روی مذهبی دارد تا اقتصادی. لذا، در گزارش‌های تاریخی ذکر شده است که فضای عمومی جامعه اسلامی ایران بعد از پیروزی نهضت، شاهد افزایش شور و نشاط دینی و معنوی مردم بود و به تعبیر مرحوم کربلایی، «دور مسلمانی از نو تجدید شد» و موجبات «کثرت جمعیت و ازدحام مسلمانان در مساجد و مجامع» فراهم آمد و جایگاه و اعتبار علما در میان مردم مسلمان و غیرمسلمان، ایرانی و خارجی و حتی در دربار، بسیار ارتقا یافت. (همان: ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۲۲ و ۲۲۳) البته، به دلیل رشد جایگاه سیاسی - اجتماعی علما و شکسته شدن ابهت استبداد داخلی و استعمار خارجی، این نهضت زمینه‌ساز حرکت‌های بعدی، به‌ویژه نهضت مشروطه و نهایتاً انقلاب اسلامی ایران شد که با محوریت عناصر فرهنگ سیاسی شیعه، به‌ویژه رهبری مرجعیت شیعه، شکل گرفت.

## منابع

۱. اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، مقدمه ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.
۲. امین‌الدوله، *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰.
۳. بنجامین، س. ج. و، *ایران و ایرانیان*، ترجمه حسین کردبچه، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۴. تیموری، ابراهیم، *تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران*، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ سوم، ۱۳۶۱.
۵. صفایی، ابراهیم، *اسناد سیاسی دوران قاجاریه*، تهران، انتشارات بابک، چاپ اول، ۲۵۳۵.
۶. کدی، نیکی آر، *تحریم تنباکو در ایران*، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ دوم، ۱۳۵۸.
۷. کربلایی اصفهانی، حسن، *تاریخ دخانیه*، به کوشش رسول جعفریان، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۷.
۸. مطهری، مرتضی، *جاذبه و دافعه علی\**، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۴۹.
۹. ملاصدرا، *شرح اصول کافی*، تهران، مکتبه‌المحمودی، ۱۳۹۱ ق.
۱۰. ملک‌زاده، مهدی، *تاریخ انقلاب مشروطیت*، تهران، انتشارات علمی، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
۱۱. مهاجرنیا، محسن، *اندیشه سیاسی فارابی*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۱۲. ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، انتشارات آگاه - نوین، چاپ چهارم، ۱۳۶۲.
۱۳. نجفی، موسی و موسی فقیه‌حقانی، *تاریخ تحولات سیاسی ایران: بررسی مؤلفه‌های تکوین دولت - ملت در گستره هویت ملی ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۱۴. *یادنامه میرزای شیرازی در روزنامه جمهوری اسلامی*، چهارشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۷۱.